

نقد و بررسی «حجاب در ترازو»

جمعه دو هفته پیش، نشست نقد و بررسی کتاب «حجاب در ترازو»، نوشته سروش دباغ، محقق و پژوهشگر دپارتمان «مطالعات ادیان» دانشگاه تورنتو، با حضور ویکتوریا طهماسبی، استاد مطالعات زنان دانشگاه تورنتو، فروغ جهانبخش، استاد مطالعات ادیان دانشگاه کویینز و نگارنده کتاب، به همت «بنیاد سهروردی» در شهر تورنتو برگزار شد.

طهماسبی سخنران اول این نشست بود؛ وی با تمجید از ورود سروش دباغ به این مسئله مهم و بحث انگیز در ایران معاصر، تفکیک میان «حجاب» و «عفت» و نگاه به مسئله حجاب از منظر اخلاقی را از نکات رهگشای کتاب انگاشت؛ اینکه باید حجاب را ذیل عفت قرار دهیم و نه عفت را ذیل حجاب و آنچه اهمیت و محوریت دارد، رفتار عقیفانه است، نه لزوماً بی حجاب بودن. افزون بر این، طهماسبی تمایز میان «نگاه جنسی» و «نگاه انسانی» به زنان و برسیدن نسبت میان فمینیسم و نواندیشی دینی و دفاع از برابری حقوقی میان زنان و مردان را از فقرات مهم «حجاب در ترازو» قلمداد کرد.

طهماسبی سخنان خود را با طرح چند سؤال خاتمه بخشید. وی از سروش دباغ پرسید: مخاطب اصلی این کتاب چه کسانی اند؟ فقط دختران و زنان مسلمان؟ و یا دیگر بخش های جامعه ایرانی نیز می توانند مخاطب این کتاب باشند؟ افزون بر این، پرسید چرا به آثار فمینیست هایی چون امینه ودود و لیلا احمد در مقالات متعدد «حجاب در ترازو» ارجاع داده نشده است؟ ربط و نسبت میان فقه و حقوق و اخلاق و عرف از دیگر سؤالات طهماسبی بود. نهایتاً، طهماسبی از رابطه میان قدرت و جنسیت سخن گفت، رابطه ای که در آثار فیلسوفان فمینیست کاویده شده؛ اما در «حجاب در ترازو» به بحث گذاشته نشده است.

فروغ جهانبخش، سخنرانی بعدی این نشست بود. وی با طرح این مسئله که پیش از انتشار مقالات سروش دباغ درباره حجاب، مرحوم احمد قابل در فتوای فقهی شجاعانه خود، تصریح کرده بود که پوشاندن موی سر و گردن دختران و زنان و جوب فقهی ندارد، افزود: دباغ از منظر اخلاقی، و نه فقهی به این مسئله پرداخته و با تفکیک میان عفت و حجاب، استدلال کرده که پوشاندن موی سر و گردن در روزگار کنونی، کاری غیر عقیفانه و غیر اخلاقی نیست. جهانبخش افزود که در ادبیات بحث از حجاب در زبان فارسی، جای بررسی این موضوع از منظر اخلاقی خالی بود و «حجاب در ترازو» از این حیث، نوآوری داشته و به غنای این مبحث در ادبیات نواندیشی دینی معاصر افزوده است. وی، طرح مسئله از منظر قرآنی و ارجاع به تمامی آیات مربوطه در یکی از مقالات کتاب را از دیگر نقاط قوت کتاب معرفی کرد، چرا که با خواندن مقاله «حجاب در ترازوی قرآن»، می توان چند و چون مسئله حجاب در قرآن، متن مقدس مسلمانان را دریافت.

جهانبخش، سخنان خود را با طرح چند سؤال به پایان برد. او از سروش دباغ پرسید: رابطه میان حجاب و هویت چگونه است؟ ممکن است برخی زنان برای حفظ هویت خود حجاب را انتخاب کنند، نه لزوماً برای عمل به وظایف و تکالیف دینی؟ همچنین، وی با اشاره به سؤال طهماسبی درباره مخاطب «حجاب در ترازو»، پرسید: آیا زنان محجبه نیز مخاطب این اثر هستند؟ بدین معنا که ایشان نیز باید نگاه خود نسبت به کسانی را که روزگاری محجبه بوده و اکنون دیگر با حجاب نیستند، تغییر دهند؟ افزون بر این، جهانبخش از دباغ پرسید شما برای دفاع از روا بودن نپوشاندن موی سر و گردن در مقالات خود، از مکتب «اخلاق در نظر اول» دیوید راس، فیلسوف اخلاق انگلیسی قرن بیستم، استفاده کرده اید. حال، کسی می تواند برای موجه کردن از این مدعا، از مکاتب فلسفه اخلاقی دیگر بهره بگیرد؟

سروش دباغ، آخرین سخنران این نشست بود. او در ابتدا از ویکتوریا طهماسبی و فروغ جهانبخش جهت شرکت در این مراسم و طرح ملاحظات و نظرات عالمانه خود درباره «حجاب در ترازو» تشکر کرد، همچنین از دست اندرکاران «بنیاد سهروردی» که مجال برگزاری این نشست را فراهم کردند، سپاسگزاری کرد. در ادامه، دباغ به چگونگی انتشار سلسله مقالات حجاب خود پرداخت. وی توضیح داد روزگاری که برای ادامه تحصیل در رشته فلسفه اخلاق و فلسفه زبان در انگلستان به سر می برد، یکی از دلمشغولی هایش، واکاوی رابطه میان «دین و اخلاق» و «فقه و اخلاق» بود. پس از بازگشت به ایران، هنگام تدریس دوره های «فلسفه اخلاق» در مقاطع مختلف، به انواع روابط میان دین و اخلاق نیز می پرداخت. پس از استقرار در دپارتمان «مطالعات تاریخی» دانشگاه تورنتو و تدریس دروس «اسلام و حقوق بشر»، «ابعاد اخلاقی اسلام» و برگزاری کارگاه «اسلام و مدرنیته»، با اسلام شناسان غربی متعددی آشنا می شود که در آثار خویش به مبحث «فقه و جهان جدید» پرداخته اند. پس از آن، او با توجه به پیشینه فلسفی خود و اهمیت مسئله حجاب در داخل کشور، تصمیم می گیرد از منظر اخلاقی به این امر بپردازد. محصول تتبعات او در این زمینه، می شود مقاله «حجاب در ترازوی اخلاق» که ۴،۵ سال پیش در سایت «جرس» منتشر می گردد. پس از انتشار این مقاله، انتقادات متعددی درباره این مقاله منتشر شد، از اینرو وی مقالات «بی حجابی یا بی عفتی؛ کدام غیر اخلاقی است؟»، «مسئله حجاب و فهم روشمند از قرآن» و «حجاب در ترازوی قرآن»، را در ادامه و در راستای تبیین بیشتر مدعیات و ادله خود منتشر می کند. سپس، این چهارمقاله به همراه سه جستار دیگر درباره مسئله زنان و فمینیسم، در بهار سال ۹۶ تحت عنوان «حجاب در ترازو» توسط انتشارات «اچ اند اس» در لندن منتشر می شود؛ کتابی که به روح بلند احمد قابل تقدیم شده، «خورشید سواری که وسیع بود و تنها».

دباغ با ذکر این مطلب که در سالیان اخیر، در سمینارها و کنفرانس های متعددی در کشورهای مختلف در این باب سخن گفته و در برخی از موارد با واکنش های انتقادی تند برخی از حضار هم مواجه شده، در پاسخ به ملاحظه طهماسبی و جهانبخش درباره مخاطب «حجاب در ترازو»، گفت: همان ایامی که مقالات حجاب منتشر شده بود، در مجلسی، خانم محجبه ای به من گفت، فلانی من مقالات شما درباره حجاب را خوانده ام و با نظرات شما همدلی و موافقت ندارم؛

در عین حال، با خواندن آن مقالات نظرم درباره زنان غیر محجبه تغییر کرد و متوجه شدم حجاب نداشتن، لزوما کار غیر اخلاقی نیست. وی با ذکر این خاطره افزود: مخاطب «حجاب در ترازو»، هم زنان محجبه اند، هم زنان غیر محجبه، هم مردان، اعم از مردانی که باور دینی دارند و مردانی که تعلق خاطر دینی ندارند و در عین حال در جامعه ایران زندگی میکنند. از نظر دباغ، مهم این است که اولاً، تمام زنان و مردان ایرانی بدانند که نپوشاندن موی سر و گردن قبح اخلاقی ندارد، بلکه آنچه در این میان غیر اخلاقی است، رفتار و کنش غیر عقیفانه است؛ ثانیاً، لزوم رفتار عقیفانه هم شامل مردان می شود، هم شامل زنان؛ نه فقط شامل زنان؛ چنانکه مطالعه دقیق آیات قرآن در این باب نیز این امر را تایید می کند.

در ادامه، دباغ در پاسخ به سؤالات و ملاحظات ویکتوریا طهماسبی گفت: درست است، در «حجاب در ترازو» جز فاطمه مرنیسی، به دیگر آثار فمینیست های معاصر ارجاع داده نشده؛ بدین دلیل که ادبیات فارسی درباره این مبحث در دهه های اخیر نحیف بوده و پرداختن به این موضوع در عداد تابوها بوده، از اینرو یکی از دغدغه های نگارنده، غنی کردن ادبیات این مبحث بوده است، مشخصاً تا پیش از انتشار این سلسله مقالات، در دهه های اخیر، تنها یوسفی اشکوری و مرحوم احمد قابل و امیر ترکاشوند به این موضوع پرداخته بودند. مضافاً بر اینکه، نگارنده بنا داشته از منظر فلسفی و هرمنوتیکی به مقوله حجاب پردازد، مواجهه ای که در آثار فمینیست های معاصر کمتر دیده شده است. در عین حال، برای پرداختن به این مبحث از مناظر دیگر، ارجاع به ادبیات این بحث در آثار فمینیست ها مهم و ضروری است. دباغ افزود: هر چند بحثی از رابطه میان قدرت و جنیست در کتاب نیامده، در عین حال در دو جستار «خویش را تاویل کن نی ذکر را» و «فمینیسم و روشنفکری دینی» تلاش کرده است تا نگاه مردانه ای را که به زن به عنوان ابژه جنسی نگاه می کند، نگاهی که با قدرت ارتباط واقعی دارد، قویاً نقد کند. دباغ، در پاسخ به سؤال دیگر طهماسبی افزود: چه هنگام نگارش مقالات درباره حجاب، چه هنگام بازخوانی نهایی «حجاب در ترازو»، توجه داشتم که سویه های مختلف بحث را با یکدیگر خلط نکنم و مشخصاً بحث فقهی را از بحث اخلاقی و بحث حقوقی و جامعه شناختی تفکیک نمایم؛ بحث اخلاقی در این باب، صبغه هنجاری دارد و «باید محور» است، در حالیکه سراغ گرفتن از عرف و مناسبات و روابط میان انسانها در یک جامعه، سویه توصیفی دارد و هنجاری نیست. همچنین، بحث حقوقی در این میان، مانند نگاه اخلاقی صبغه هنجاری دارد، اما بر خلاف نگرش اخلاقی، پشتوانه و ضمانت اجرایی دارد.

دباغ در بخش انتهایی سخنان خود، به ملاحظات فروغ جهانبخش پرداخت. وی با توضیح این مطلب که وقتی پژوهش درباره مسئله حجاب را آغاز نموده، تصور می کرده در قرآن، قصه حجاب با بسامد و صراحت بیشتری ذکر شده باشد، تاکید کرد که در مسئله حجاب، مانند برخی مسائل و احکام دیگر، نظیر ارتداد، سنگسار، ساب النبی... آنچه امروزه در میان ما جا افتاده و تثبیت شده، بیشتر برگرفته شده از روایات است، نه متن مقدس مسلمان. فی المثل مجازات اعدام برای مرتد و ساب النبی، هیچ شاهد قرآنی ندارد. از اینرو، وی پس از انجام تحقیقات خود، تصمیم گرفته مقاله «حجاب در ترازوی قرآن» را بنویسد تا روایت قرآن از این مسئله را با عنایت به آیات سوره نور و سوره احزاب تبیین کند

دباغ درباره استفاده از دیگر نظریات و مکاتب اخلاقی گفت: بله، علی‌الصول می‌توان از دیگر مکاتب اخلاق هنجاری، نظیر «فایده‌گرایی قاعده‌محور» و یا قرائت‌های دیگری از وظیفه‌گرایی اخلاقی استفاده کرد و روایی نپوشاندن موی سر و گردن دختران و زنان در روزگار کنونی را موجه نمود.

نویسنده «حجاب در ترازو» در انتهای سخنان خود درباره رابطه میان حجاب و هویت گفت خصوصاً در جماعت مسلمانان که بیرون از کشورهای اسلامی زندگی می‌کنند، حجاب بخشی از هویت را تشکیل می‌دهد و لزوماً افراد از سر اعتقاد دینی حجاب سر نمی‌کنند؛ وی برای روشن‌تر شدن سخنش، به یکی از دانشجویان مصری خود اشاره کرد که در تحولات سیاسی کشور مصر در دوران بهار عربی، در ابتدای ریاست جمهوری محمد مرسی، به گفته خود، به رغم اینکه اعتقادات دینی نداشت، اما با انگیزه‌ها و ادله سیاسی، حجاب سر کرده بود. همچنین، دباغ از قول یکی از همکاران ایرانی خود که در سمیناری در کویت شرکت کرده بود، نقل کرد: خانمی روبنده داشت و در حال سخنرانی بود، از سخنانش چنین بر می‌آمد که باورهای دینی چندانی نداشته باشد. پس از اتمام سخنرانی، فرد ایرانی حاضر در کنفرانس، در مجال و فرصتی از آن خانم پرسیده بود که شما با این عقاید و نگرش‌تان، چرا پوشیه زده‌اید؟ ایشان در پاسخ گفته بود، بله من اعتقادات دینی ندارم و «ندانم انگار» ام؛ اما به خاطر رسم و رسوم خانوادگی باید اینگونه حجاب داشته باشم، در غیر اینصورت اعضای خانواده تصور دیگری درباره من می‌کنند. دباغ با ذکر این خاطرات، سخنان خود درباره نسبت میان حجاب و هویت را اینگونه جمع‌بندی کرد: رابطه میان حجاب و هویت به تعبیر منطقیون، «عموم و خصوص من وجه» است: برخی از زنان، نه از سر عقیده دینی، بلکه صرفاً برای ابراز هویت خود که جنبه اجتماعی - سیاسی - فرهنگی دارد، حجاب دارند؛ برخی دیگر حجاب ندارند و همچنان خود را مسلمان به حساب می‌آورند و معتقد نیستند با حجاب نداشتن هویت‌شان آسیب دیده؛ برخی دیگر هم از سראعتقاد دینی و همچنین حفظ هویت خود محجبه هستند؛ پس رابطه میان هویت و حجاب به نزد زنان مسلمان زاده، شقوق مختلف دارد.

سروش دباغ در انتها افزود: مباحث من در «حجاب در ترازو» ناظر به مسئله نپوشاندن موی سر و گردن و تبیین روایی اخلاقی این امر بوده؛ اما لازمه این سخن این نیست که پوشاندن موی سر و گردن، از منظر اخلاقی، کاری خطا باشد؛ چرا که پوشاندن موی سر و گردن منافاتی با شهودهای اخلاقی ما ندارد و امری غیر اخلاقی نیست. پرسش از این سو طرح شده، آیا نپوشاندن موی سر و گردن هم رواست و قبح اخلاقی ندارد؟ اگر ادله‌ای که من در جستارهای مختلف «حجاب در ترازو» آورده‌ام موجه باشد، پاسخ این سؤال مثبت است.

پس از اتمام سخنان دباغ، مجری جلسه از حضار خواست تا سؤالات خود را با هر سه شرکت‌کننده در میزگرد طرح کنند؛ حدود یک ساعت، بخش پرسش و پاسخ به درازا انجامید. پس از آن نشست نقد و بررسی کتاب «حجاب در ترازو» به پایان رسید.